

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۸۰ - ۵۹

ساختار سازی عدالت اجتماعی - کیفری با نهادینه کردن نظام نیمه آزادی

نفسیه جلالی^۱

ایرج گلدوزیان^۲

حسین غلامی دون^۳

چکیده

نظام نیمه‌آزادی یکی از جلوه‌های اصل فردی کردن کیفر و از جمله روش‌هایی است که در راستای کاهش جمعیت کیفری زندان با آزادی نیمه‌وقت مجرم موافقت کرده اما بر نظارتی دائم بر آن تأکید می‌ورزد. این روش علاوه بر تأکید بر قراردادی شدن عدالت کیفری بر پایه توافق، از یکسو ثبات خانوادگی بزهدار را حفظ کرده و از سوی دیگر اصلاح گام‌به‌گام مجرم را در دستور کار قرار می‌دهد. با ترویج بیشتر فرهنگ قانون‌مداری و ارائه نظریه‌های مدرن، زندان نیز به عنوان یک مجازات، کالبدشکافی شد. در همین راستا نظام‌های مختلف حقوقی با در پیش گرفتن سازوکارهایی سعی کردند که از آثار منفی و مخرب زندان بکاهند و از آن تنها برای مجازات مجرم، بدون صدمه زدن به خانواده او، متمتع گردند. سؤالی که در این مقاله مورد نظر می‌باشد این است که کاربست نیمه‌آزادی از منظر پاسخ به کیفر چیست و این نظام از چه جایگاهی در سیاست کیفری برخوردار می‌باشد؟ نظام نیمه‌آزادی نهادی است که می‌توان آن را از منظر وظیفه‌گرایانه و فایده‌گرایانه با تکیه بر توجیه کیفر، بررسی و تبیین نمود. به دیگر سخن، سیاست کیفری نظام‌های مدرن از آن برای تنبیه و اصلاح مجرمان به گونه‌ای که کمترین فاصله را از اجتماع گرفته و بیشترین فایده را برای اجتماع سبب شوند، استفاده کرده‌اند. نظام حقوق کیفری ایران نیز بخشی از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را به این نهاد نوین کیفری اختصاص داده است. در این مقاله، نگارندگان تلاش نموده‌اند تا ضمن تبیین نظام نیمه‌آزادی به ارزیابی ابعاد مختلف آن در سیاست کیفری ایران بپردازند.

واژگان کلیدی

عدالت اجتماعی، حبس، نیمه‌آزادی، مجازات، سیاست کیفری، عدالت قراردادی.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، گرگان، ایران.
Email: Nafise.law@gmail.com
۲. استاد تمام دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی کرج، کرج، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: miramts@yahoo.com
۳. دانشیار دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبائی.
Email: Gholami1970@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۹/۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۶

طرح مسأله

یکی از ابزارهای سیاست کیفری، نهادهایی هستند که راه را برای اعاده بزهکاران به اجتماع هموار می‌سازند. کیفر زندان هرچند ممکن است چنین فرصتی را ایجاد نماید، اما نباید فراموش کرد که محیط زندان با تمام امکانات بازپروری نظیر سوادآموزی و حرفه‌آموزی محیطی است اصولاً توانگیر و انس به آن به‌ویژه در محکومیت‌های درازمدت، بزهکار را به هنگام خروج از زندان با دشواری مواجه می‌کند. طرفداران کیفرزندان تنبیه بزهکار، اصلاح و بازپروری بزهکاران، اجرای آسان‌تر مجازات حبس، تأمین هدف تریبی و تزدیلی مجازات‌ها به وسیله زندان، حفاظت از جامعه و مجرم، ایجاد اطمینان از اجرای عدالت در بزه‌دیدگان را از محاسن کیفری زندان اعلام داشته‌اند و مخالفین کیفرزندان، ایجاد سابقه کیفری، تخطی از اصل شخصی بودن مجازات‌ها، بدآموزی و تأثیرات مخرب زندان، سوءاستفاده از زندان، گسترش بیماری‌های خطرناک، عدم موفقیت در تأمین اهداف اصلاحی، اربابی و پیشگیری، تراکم جمعیت کیفری و کمبود امکانات، افزایش خطرناکی بزهکاران و طبقه‌بندی نکردن زندانیان را از معایب کیفر حبس قلمداد می‌نمایند. (گودرزی، بی‌تا، ۱۰۶)

حتی عده‌ای با زندان‌های کوتاه‌مدت نیز به مخالفت برخاسته‌اند. (Sevdiren, 2011,)
 116) بر این اساس، کیفرشناسان از یک قرن پیش به این فکر افتادند که جنبه‌های آسیب‌زننده کیفرهای سالب آزادی را کاهش دهند و پاره‌ای از تدابیر اصلاحی را که در محیط عادی امکان به ثمر رسیدن آن‌ها بیشتر است، جایگزین تدابیری همانند در محیط زندان نمایند. به قول ایرینگ، جرم‌شناس معروف، تاریخ حقوق کیفری تاریخ مداوم حذف کیفر است. (گسن، ۱۳۶۵، ۱۵۷) لذا جنبش‌های لغای مجازات حبس به دنبال العاگرایی کیفری اواسط سده بیستم و پس از جنگ جهانی دوم تا امروز سه نسل از ضمانت اجراهای کیفری را در تاریخ تحولات علوم جنایی معرفی نموده است. نسل اول جایگزین‌های حبس^۱ است. در این تفکر تندرو و افراطی، یک ضمانت اجرا جایگزین ضمانت اجرای دیگری می‌شود. مثل دوره مراقبت که در فصل نهم قانون مجازات اسلامی بدان اشاره شده است. نسل دوم ضمانت اجراهای بینابین یا میانه^۲ است. یعنی هر ضمانت اجرای کیفری که از یک سو اهداف سلب آزادی را تأمین کند و در عین حال حق آزادی محکوم یا بزهکار را هم به‌طور کامل سلب نکند، مثل نظام نیمه‌آزادی^۳ و آزادی مشروط موضوع فصول هفتم و هشتم قانون مجازات اسلامی. نسل سوم که در عصر حاضر به عنوان نسل جدید

1. Alternatives to imprisonment
2. Intermediate sanction
3. Semi-liberty

ضمانت اجراها و تحت عنوان کیفرهای اجتماعی یا جامعه محور^۱ معرفی شده، بدین گونه است که شکل و نحوه اجرای ضمانت اجراهای کیفری را از بطن نظام عدالت کیفری به بستر اجتماعی انتقال می دهند. در این شیوه ممکن است حتی آزادی بدهکار از او سلب گردد، مانند حبس خانگی. (گودرزی، ۱۳۸۴، ۸۱) سیاست کیفری ایران با تأثیرپذیری از فقه (گفتنی است که مشروعیت مجازات‌های جایگزین حبس، بینائی و اجتماعی در حقوق جزای اسلام بر مبنای قاعده منطقه الفراغ یا منطقه العفو قابل توجیه است که به موجب آن شارع مقدس وضع قواعد مناسب با اوضاع و احوال و مقتضیات زمان و مکان را با حفظ ضوابط و در چارچوبی به عهده ولی نهاده است. حکم کلی این قاعده نیز اصل اباحه است. در مقابل برخی معتقد به عرفی شدن مجازات‌ها در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران هستند) (رهامی، ۱۳۸۹) و حقوق سایر کشورها و اسناد بین‌المللی و با توجه به سیاست حبس‌زدایی قوه قضاییه و تدوین لایحه قانونی مجازات‌های اجتماعی و در نهایت پس از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به این رهاورد نایل گردید که زندان در بسیاری از جرایم و مجرمین کیفر مناسبی نیست و باید از مضرات و معایب آن احتراز نمود. (اهمیت این مسأله تا آنجا است که برخی از دست‌اندرکاران عدالت کیفری، زندان را عامل جرم و علم کیفر شناسی را شاخه‌ای از جرم‌شناسی اختصاصی یاد می‌کنند). (آشوری، ۱۳۸۲، ۷)

۱. پیشینه تاریخی و سیر تحول نظام نیمه‌آزادی

ظهور و پیدایش روش نیمه‌آزادی مدیون اجرای نظام تربیتی ویژه‌ای است که در اصطلاح کیفرشناسان نظام تدریجی یا ایرلندی شهرت دارد. به‌طور مختصر در این نظام محکومان به زندان با طی مراحل تدریجی و با اطمینان از پیشرفتی که در وضع روحی و اخلاقی آن‌ها پدید آمده، رفته‌رفته آمادگی لازم را برای پذیرش آزادی مشروط و سرانجام آزادی کامل کسب می‌کنند. این مراحل عبارتند از گذر از زندان مجرد به هنگام شب و انجام کار انفرادی به هنگام روز، سپس انجام کار دسته‌جمعی در روز و گذراندن شب در زندان انفرادی (نظام ابورنی) و سرانجام آزادی مشروط که با مراقبت‌های لازم همراه است. روش نیمه‌آزادی مانند پلی پیش از آن که محکومان به زندان از امتیازات آزادی مشروط بهره‌مند شوند، دوران زندان را به دوران آزادی متصل می‌کند. در این روش محکومان به زندان روزها در بیرون از زندان به کار می‌پردازند و شب‌ها دوباره به زندان بازمی‌گردند. معمولاً محل سکونت این گروه از زندانیان از دیگران جداست و بیشتر به محل اقامت خانوادگی آن‌ها شبیه است. در نظام جدید زندانبانی که اعطای نیمه‌آزادی بیش از پیش به‌طور مستقل متداول است، محکومان به زندان اجازه دارند ایام تعطیل

و تعطیلات آخر هفته را در بیرون از زندان بگذرانند. در سوئد سابقاً رژیم نیمه‌آزادی در مرحله‌ای از «روش تدریجی» به مورد اجرا گذارده می‌شد. در حال حاضر روش اصلاحی و تربیتی یا درمانی منطبق با شخصیت هر فرد اجرا می‌گردد. گاهی پیش از شناسایی شخصیت محکوم، روش نیمه-آزادی به عنوان مجازات اصلی اجرا می‌شود. در ایتالیا، روش نیمه‌آزادی در مورد محکومان به حبس تأدیبی، یا در مورد کسانی که بابت بدهی جریمه (کیفر نقدی) در زندان به سر می‌برند و نیز در مورد محکومانی که نیمی از مدت مجازات خود را گذرانده‌اند و محکومان جنایی که شش ماه یا بیشتر به اتمام محکومیتشان باقی نمانده است، اجرا می‌گردد؛ مشروط به اینکه تحت روش آزادی با مراقبت قرار نگرفته باشند. محکومان با لباس شخصی بدون مراقبت طبق برنامه تنظیم شده با رعایت شروطی که تعیین گردیده است، چند ساعتی از روز را در خارج از زندان به سر می‌برند و در رأس ساعت که معین بایستی به زندان یا مؤسسه‌ای که نگهداری می‌شوند، مراجعت نمایند. روش نیمه‌آزادی در مؤسساتی که جهت اجرای این روش تأسیس شده یا در قسمت کاملاً مجزا از سایر قسمت‌های زندان یا مؤسسات مختلف دیگر به مورد اجرا گذارده می‌شود. (دانش، ۱۳۶۶، ۱۹) در کشور فرانسه، روش نیمه‌آزادی با اصلاحاتی که پس از جنگ جهانی دوم در مقررات و اصول زندانبانی این کشور انجام گرفت، پذیرفته شد. این روش همزمان با گسترش نظام تدریجی (ایرلندی) به عنوان مرحله بینابین زندان و آزادی مشروط که طی آن محکومان به زندان از اعتماد کامل برخوردار می‌شدند، تلقی گردید. ماده ۷۲۳ آیین دادرسی کیفری این کشور در تشریح این مرحله مقرر می‌دارد: «روش نیمه‌آزادی شامل استقرار در خارج از زندان، بدون مراقبت دائمی و با شرایط کار مزدبگیران آزاد می‌باشد». قانون ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ این روش را در دو جهت تعمیم داده است. نخست در جهت تمهید تدابیر اصلاحی جدید، و دوم در جهت حفظ علایق زندانی با محیط عادی. در حالت اول، زندانیان نه تنها می‌توانند از شرایط کار آزاد و از مزایای کارگری برخوردار شوند، بلکه می‌توانند به اشتغال به تحصیل نیز بپردازند یا به حرفه-آموزی مبادرت کنند، یا تحت درمان پزشکی قرار گیرند. در حالت دوم، دادگاه می‌تواند به محکومانی که مجازات آن‌ها از شش ماه زندان تجاوز نمی‌کند، اجازه دهد تا به ادامه فعالیت حرفه‌ای و یا کارآموزی حرفه‌ای و یا درمان پزشکی بپردازند و ارتباط خود را با محیط خارج از زندان حفظ نمایند. بدین ترتیب، روش نیمه‌آزادی در قوانین این کشور به دو شکل دیده می‌شود. روش نیمه‌آزادی به عنوان مرحله نهایی مجازات سالب آزادی که بازمانده نظام تدریجی که در سال ۱۹۷۵ ملغی شده است؛ و روش نیمه‌آزادی در مرحله شروع مجازات که با صدور حکم محکومیت از طرف دادگاه و یا با اجازه قاضی ناظر اجرای احکام در بدو محکومیت به اجرا گذاشته می‌شود. (اردبیلی، ۱۳۹۳، ۱۷۸)

همچنین مطابق بررسی صورت گرفته در برخی دیگر از کشورهای اروپایی، مشاهده شد که

برخی از این کشورها نظام نیمه آزادی را مورد پذیرش قرار نداده‌اند. (کاپوتو، ۲۰۰۴، ۱۸۴-۱۶۹) جدول زیر نتیجه بررسی صورت گرفته را نشان می‌دهد. کشورهایی که «نظام نیمه آزادی» را مورد پذیرش قرار نداده‌اند با علامت × متمایز شده‌اند. نکته قابل توجه در این جدول، اجرایی نشدن نظام مورد اشاره در انگلستان می‌باشد:

جدول ۱- بررسی کشورهای دارای «نظام نیمه آزادی»

ردیف	کشور	نظام نیمه-آزادی	ردیف	کشور	نظام نیمه آزادی
۱	آندورا	✓	۱۴	لتونی	×
۲	اتریش	✓	۱۵	لیتوانی	×
۳	بلغارستان	×	۱۶	هلند	✓
۴	جمهوری چک	×	۱۷	لهستان	✓
۵	دانمارک	×	۱۸	پرتغال	✓
۶	فنلاند	×	۱۹	رومانی	✓
۷	فرانسه	✓	۲۰	اسلواکی	×
۸	آلمان	✓	۲۱	اسلوونی	✓
۹	یونان	✓	۲۲	اسپانیا	✓
۱۰	مجارستان	×	۲۳	سوئیس	✓
۱۱	ایسلند	✓	۲۴	جمهوری مقدونیه	✓
۱۲	ایرلند	×	۲۵	ترکیه	✓
۱۳	ایتالیا	✓	۲۶	بریتانیا، انگلیس، ولز	×

اقتباس از: (Council of Europe, and Committee of Ministers, 2000, p.58) در نیز روش نیمه آزادی نخستین بار در آیین نامه زندان‌ها مصوب ۱۳۵۴ شمسی پیش‌بینی شد. طبق ماده ۵۱ این آیین‌نامه: «آن عده از زندانیانی که واجد شرایط اشتغال به کار در مؤسسات صنعتی و کشاورزی خارج از زندان می‌باشند، در صورتی که در مؤسسات مذکور برای آنان شغلی متناسب با استعداد و تخصص آن‌ها نباشد، می‌توانند با استفاده از روش نیمه آزادی در مؤسسات دولتی یا خصوصی به کار گمارده شوند. در این صورت علاوه بر شرایط مذکور در ماده ۵۰ باید از مابقی مجازات آنان بیش از یک سال باقی نمانده باشد.» بنابراین اجرای این روش در صورتی ممکن بود که در مؤسسات صنعتی و کشاورزی وابسته به زندان‌ها که نوعی زندان باز

تلقی می‌شد، شغلی متناسب با تخصص و استعداد محکومان یافت نمی‌شد. صرف نظر از اینکه شرط مذکور با اهداف روش نیمه‌آزادی منطبق نبود و اصولاً اشتغال به کار در خارج از زندان ضرورت اجرای این روش را توجیه نمی‌کند، معلوم نیست که چگونه این تأسیس در مقررات جدید زندان‌ها مصوب ۱۳۶۰ شورای عالی قضایی که از بسیاری جهات نسبت به آیین نامه قبلی مزیت و برتری دارد، لغو گردید. (اردبیلی، ۱۳۹۳، ۱۸۳) بعد از انقلاب نیز تنها ماده ۲۹ آیین نامه اجرایی سازمان کانون اصلاح و تربیت در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار مقرر می‌داشت: «در مورد اطفالی که مدت توقف آن‌ها در قسمت اصلاح و تربیت و یا زندان بیش از شش ماه است، در آخرین ماه توقف، چنانچه مدیر کانون رفتار روحی و اخلاقی طفل را مناسب تشخیص دهد، می‌تواند با اطلاع و یا پس از تأیید قاضی دادگاهی که طفل را به کانون اعزام داشته است، موافقت کند که طفل روزها در خارج، نزد کارفرمای مربوط قراردادی منعقد خواهد نمود و در نحوه کار، تحصیل و حضور و غیاب اطفال به وسیله مددکاران اجتماعی یا نمایندگانی که برای مراقبت و هدایت تعیین می‌شوند، نظارت خواهند داشت.» در صورت نقض مقررات این ماده به وسیله طفل، مراتب فوراً جهت اتخاذ تصمیم مجدد به دادگاه مربوط اعلام خواهد شد. البته در روش فوق می‌توان در اجرای کیفر حبس به شیوه‌های مختلف، تغییراتی را اعمال کرد. به عنوان مثال موافقت با مرخصی زندانی در ایام تعطیلات و روزهای آخر هفته یا گذراندن روزها در زندان و شب‌ها در منزل، که کلیه اقدامات فوق می‌تواند تا حد زیادی از آثار و تبعات زیان‌بار زندان بر خانواده زندانی و شخص بزهکار بکاهد.

۲. نظام نیمه‌آزادی و دورنمای نظام کیفری ایران در زمینه چگونگی استفاده از آن

در این بند ابتدا به تعریف و جایگاه نظام نیمه‌آزادی در حقوق کیفری ایران خواهیم پرداخت و سپس در یک نگاه تطبیقی به دورنمای نظام کیفری ایران در زمینه چگونگی استفاده از آن می‌پردازیم.

۲-۱. تعریف و جایگاه نظام نیمه‌آزادی

ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی، نظام نیمه‌آزادی را شیوه‌ای می‌داند که بر اساس آن محکوم در زمان تحمل حبس می‌تواند برخی از فعالیت‌های زندگی خود را که به صورت تمثیلی در این ماده مقرر شده است در خارج از زندان انجام دهد. (مواد مربوط به نظام نیمه‌آزادی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. عمدتاً از قانون جزای فرانسه، به ویژه مواد ۲۵-۲۶ و ۱۳۲-۲۶ و ۱۳۳ اقتباس شده است). (زراعت، ۱۳۸۴، ۲۴۲) به عبارت دیگر نوعی نظام اجرای مجازات‌های سالب آزادی است که به محکوم اجازه می‌دهد تا در طول روز خارج از محیط زندان و بدون نظارت مأموران در شرایط طبیعی به منظور ورود به جامعه در آینده به یک فعالیت آموزشی، حرفه‌ای یا درمانی مشغول شود و پس از اتمام کار و ساعات تحصیل و درمان و همچنین در ایام بیکاری به

زندانباز گردد.

در نظام نیمه آزادی افرادی که محکوم به حبس‌های سبک هستند و به نوعی برای جامعه خطرناک نیستند، در صورت رضایت می‌توانند در بیرون از محیط زندان و بدون آنکه مأمور مراقبتی داشته باشند به کار و یا شرکت در فعالیت‌های آموزشی و درمانی بپردازند و شب‌ها، آخر هفته و ایام تعطیل به زندانبازگردند. ساعت دقیق ورود و خروج زندانبانان به زندان در دفتر مخصوص ثبت و کنترل می‌شود. این شیوه در راستای بااجتماعی کردن بزهکار صورت می‌گیرد. در واقع در این شیوه با اعطای آزادی محدود به زندانی به وی امکان داده می‌شود که خود را با جامعه تطبیق دهد و به آغوش جامعه بازگردد. (شمس ناتری و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۶۹) در این نهاد به محکوم به عنوان یک انسان منفع‌نگریسته نشده است، بلکه او می‌تواند در اعمال یا عدم اعمال مقررات نظام نیمه آزادی مؤثر باشد. بنابراین می‌توان از این نظام به عنوان نوعی توافق بین محکوم و مقام قضایی صالح نام برد. تحول حقوق جزای معاصر که وجه بارز آن دغدغه شخصی کردن مجازات و انسانی نمودن آن است، قانون‌گذار را بر آن داشته تا حدی نظر مجرم را در انتخاب مجازات و اعمال آن دخالت دهد. این اندیشه از آنجا الهام می‌گیرد که عدالت کیفری یک عدالت تحمیلی و عمودی است، لیکن گرایش قانون‌گذاران کیفری و سیاست‌گذاران جنایی به سمت عدالت ترمیمی و مذاکره‌ای است. (غلامی، ۱۳۸۹، ۷۴۰-۷۱۴)

۲-۲. دورنمای نظام حقوق کیفری ایران در زمینه چگونگی استفاده از نظام نیمه آزادی

برخی از مؤلفان حقوق کیفری در خصوص چگونگی استفاده از شیوه نیمه آزادی و نهادهای اعطاکننده آن به مواد ۷ و ۶۶ آیین‌نامه اجرای سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ استناد می‌نمایند (نیازپور، ۱۳۹۰، ۳۰۷) و معتقدند که مواد مورد اشاره مربوط به نظام نیمه آزادی یا زندانباز است. طبق ماده ۷ آیین‌نامه مذکور، زندانباز نیمه‌باز زندانی است محصور که در پوشش خارجی دارای حفاظت مناسب باشد و در آن زندانبانان به‌طور گروهی با تعداد کافی مأمور مراقبت بدون اسلحه به کار اعزام می‌گردند و پس از خاتمه کار مجدداً به آسایشگاه خود عودت داده می‌شوند. (محمدی، ۱۳۸۴، ۶۹) به نظر برخی حقوق‌دانان: (زراعت، ۱۳۹۲، ۱۳۸)

«آنچه در مواد ۵۶ و ۵۷ آمده است شکل خاصی از نظام نیمه‌زندانی است و نیمه‌آزادی با نیمه‌زندانی تفاوت دارد. نیمه‌زندانی یعنی این که محکوم‌علیه در زمان حبس به فعالیت شغلی و حرفه‌ای می‌پردازد و آخر هفته به زندانباز می‌رود؛ اما نیمه‌آزادی آن است که محکوم مدتی را در زندان سپری کرده و چنانچه رفتار مناسبی داشته باشد، می‌تواند در برخی روزها به فعالیت شغلی بپردازد. شرایط مهمی که در نظام نیمه‌آزادی و نیمه‌زندانی وجود دارد، حضور زندانی در روزهای آخر هفته در زندان است؛ اما قانون مجازات اسلامی اشاره‌ای به این شرایط ندارد و احکام این

نظام باید به موجب آیین‌نامه‌ای تعیین شود که در ماده ۶۳ پیش‌بینی شده است». بنظر می‌رسد آیین‌نامه اجرایی وعده داده شده در ماده ۶۳ قانون مجازات اسلامی و ماده ۵۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲، مقررات مشابهی با نظام نیمه‌باز موضوع ماده ۶۵ و ۶۶ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در خصوص شورای طبقه‌بندی زندان‌ها (به عنوان مرجع اعطاکننده نظام نیمه‌آزادی) و ماده ۶۹ آیین‌نامه در خصوص شرایط استفاده از زندان نیمه باز (مانند سن، جنس، وضعیت جسمی و روحی و چگونگی شخصیت و پیشینه بزهکاران به عنوان شرایط فردی محکوم‌علیه) خواهد داشت. لذا به دلیل مشابهت دو نظام بهتر است تدوین‌کنندگان آیین‌نامه، توجه ویژه‌ای به مقررات مارالذکر داشته باشند.

به نظر نگارندگان، وقتی در زندان باز وفق ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۸۰ زندانی ضمن اشتغال به خدمت حق خروج از زندان را ندارد و شب‌ها را نیز در نزدیک‌ترین آسایشگاهی که به این منظور تعیین شده است، استراحت می‌نماید؛ به طریق اولی در زندان نیمه-باز حق خروج از زندان را نخواهد داشت. (Bacchtold, 1976, 31-43) مضافاً این‌که اعطای مرخصی ترمیمی برای اینگونه زندانیان جهت اعطای فرصت لازم به زندانی برای جلب رضایت شاکی در اجرای مواد ۲۲۰ و ۲۲۱ آیین‌نامه مصوب ۱۳۸۴ دلیل دیگری بر این مدعاست. در حالی که در نظام نیمه‌آزادی به دلیل حق خروج زندانی از زندان در اغلب ساعات نیازی به چنین مقرره‌ای جهت اخذ رضایت از بزه‌دیده نخواهد بود. به هر تقدیر، تهیه‌کنندگان قانون مجازات اسلامی طی مواد ۵۶ و ۵۷ به چگونگی استفاده از شیوه نیمه‌آزادی توجه داشته‌اند. این واکنش کیفری، بر اساس ماده ۵۶ صرفاً به جرایم دارای کیفر حبس تعزیری درجه پنج تا هفت اختصاص دارد. بنابراین از روش نیمه‌آزادی نمی‌توان در خصوص جرایم شدیدتر مثل جرایم دارای حبس تعزیری درجات یک تا چهار و نیز دیگر گونه‌های بزهکاری مثل جرایم مستوجب حد بهره جست. حکم به نظام نیمه‌آزادی مخصوص کسانی است که جزای نقدی در آنان تأثیری ندارد و مجازات حبس نیز برای آن‌ها مضر می‌باشد. این نظام برای اشخاصی مفید است که به صورت اتفاقی مرتکب جرایم خفیف یا غیرعمدی می‌شوند و چند روز محرومیت از آزادی موجب تنبیه آنان می‌شود. از طرف دیگر تعهد بزهکاران به سپردن تأمین مناسب و مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی، درمان اعتیاد یا بیماری، تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای و آموزشی و حرفه-آموزی برای اعطای تأسیس جزایی پیش‌بینی شده است. قانون مجازات اسلامی بر خلاف آزادی مشروط و تعلیق اجرای مجازات و تعویق صدور حکم به مسأله فسخ نظام نیمه‌آزادی که در اثر تخلف محکوم از اجرای تعهدات یا ارتکاب جرم عمدی جدید حاصل گردد، اشاره ننموده است. ماده ۵۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز این خلاء قانونی را مرتفع نکرده است. افزون بر این، دو شرط دیگر با رویکرد بزه‌دیده‌مدار برای بهره‌جستن از شیوه نیمه‌آزادی در

ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است. شرط نخست گذشت شاکی و شرط دوم مشارکت بزه‌کار در ترمیم خسارت‌های وارده بر بزه‌دیده است. از نظر تدوین‌کنندگان قانون، صرفاً آن دسته از مجرمان سزاوار برخوردار از ارفاق کیفری هستند که علاوه بر داشتن شرایط پیش‌گفته، در جهت ترمیم خسارت‌های وارده بر بزه‌دیده و جلب رضایت وی اقدام نمایند. مع‌الوصف، برخلاف گذشته که این روش تنها به عنوان یکی از شیوه‌های عدالت کیفری عمودی و با ماهیت بازپرورا نه به‌شمار می‌آمد، امروزه در پرتو قانون مجازات اسلامی جدید و پذیرش رویکرد اعتباربخشی به اراده بزه‌کار، شیوه نیمه‌آزادی به صورت یکی از جلوه‌های راهبرد مذکور شناسایی شده است.

۳. توجیه کیفر نیمه‌آزادی

پس از بیان مطالب مربوط به تبارشناسی کیفر نظام نیمه‌آزادی، اهتمام نگارندگان در این بند بر آن است تا با بررسی مبانی کیفر نظام نیمه‌آزادی به ارزیابی این کیفر در سیاست کیفری ایران بپردازد. از آنجا که اجرای نظام نیمه‌آزادی برای محکومان به حبس موجب تغییر ماهیت کیفر زندان می‌گردد، لذا مطالب مورد نظر در این بند به عنوان مرکز ثقل تحقیق، کارایی یا عدم کارایی این کیفر را بیش از پیش نشان خواهد داد. قبل از ورود به بحث چند نکته قابل توجه و امعان نظر است. نخست آن که کیفر و آثار آن پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است لذا کیفر نیاز به توجیه و مشروعیتی قوی دارد. از این رو آگاهی به ابعاد آن واجد اهمیت بسزایی است. دوم آن که اهداف سیاست کیفری و اعمال کیفر برای سیاست‌گذاران و مجریان آن نیز بایستی منقح و مشخص باشد و کیفر مذکور باید مورد واکاوی و ارزیابی همه‌جانبه قرار گیرد. سوم آن که نهادهای مجری کیفر اعم از دادسرا و کارکنان سازمان زندان‌ها باید ابزارها و امکانات متناسب با اهداف تعیین شده را در اختیار داشته باشند. چهارم آن که آگاهی عموم، و بالاخص اشخاصی که مجازات می‌شوند، از اهداف و انواع و آثار کیفرها ضرورت دارد. مضافاً اینکه مجازات‌ها باید مورد قبول مردم باشند. پنجم آن که برای شناخت کیفر نه تنها آگاهی از قوانین کیفری، بلکه شناخت فلسفه کیفر، علل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی ظهور و مرگ آن و نیز اهداف توجیه‌کننده آن اهمیت فراوانی دارد. این مهم هم در سطح قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری و هم در مقام تبیین، اجرا و اعمال کیفر و حتی پس از آن سرنوشت‌ساز است.

۳-۱. ارزیابی نظام نیمه‌آزادی از منظر توجیهات عام کیفر

در این قسمت از توجیهات عام به بررسی توجیهات سنتی و اصلی کیفر و توجیهات معاصر و فرعی کیفر در نظام نیمه‌آزادی بر اساس اندیشه‌های سترگ مکاتب حقوق کیفری خواهیم پرداخت.

۳-۱-۱. توجیهات سنتی و اصلی کیفر در نظام نیمه‌آزادی

کسانی که به وجود عدالت کیفری، چه در قالب سنتی و کلاسیک و چه در قالب جدید آن با جرح و تعدیل‌های فراوان، پایبند هستند، دلایل فلسفی عدیده‌ای را در توجیه کیفر بیان کرده‌اند که از منظری دیگر می‌توان آن‌ها را اهداف یا کارکردهای کیفر نیز دانست. در این بند، توجیهات سنتی بیان شده برای نظام نیمه‌آزادی که در واقع کارکردهای این نوع مجازات از دیدگاه سنتی نیز می‌باشد، مورد توجه قرار می‌گیرد.

۳-۱-۱-۱. اثر سزادهی و ناتوان‌سازی کیفیت در نظام نیمه‌آزادی

ابتدایی‌ترین و بدیهی‌ترین هدف برای کیفر و در نتیجه توجیه نظام کیفری، سزا دادن مجرم و ناتوان‌سازی او برای ارتکاب جرم است. نظام عدالت کیفری در پرتو این هدف به دور کردن بزهکاران از جامعه توجه داشته و بر این فرض مبتنی است که طرد مجرمان، فرصت‌های مساعد جرم را از آنان سلب کرده و در نتیجه از روی‌آوری دوباره بزهکاران به ارتکاب جرم پیشگیری می‌کند. (غلامی، ۱۳۹۰، ۶۵)

ناتوان‌سازی بزهکاران علاوه بر اینکه در کاهش نرخ تکرار جرم نقش‌آفرین است، به مصون‌سازی بزه‌دیدگان احتمالی نیز می‌انجامد. این اثر سزادهی و ناتوان‌سازی در نظام نیمه-آزادی اگرچه کم‌رنگ است، اما قابل مشاهده است. چه آنکه یکی از نعمت‌هایی که خداوند متعال در نهاد آدمی قرار داده عشق آدمی به آزادی و اختیار است و بدیهی است که هر آنچه به آن خدشه وارد سازد، برای آدمی سخت و ناگوار است. سلب آزادی به عنوان شکنجه‌ای دردناک و آزاردهنده روح و جسم انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو محدودیت‌های ناشی از نظام نیمه‌آزادی در واقع تنبیهی سخت و بازدارنده خواهد بود و می‌تواند اثر سزادهی و ناتوان‌سازی کیفر را، هرچند معتدل، توجیه نماید.

۳-۱-۱-۲. ارعاب یا بازدارندگی کیفر در نظام نیمه‌آزادی

یکی دیگر از اهداف کیفر، ارعاب و بازدارندگی است که می‌تواند با ماهیت ترهیبی خود مرتکب یا دیگران را از ارتکاب به جرم بازدارد. بازدارندگی با رویکردی ارعاب‌انگیز و عبرت‌آموز به نظام عدالت کیفری به منزله بستری برای ترس و عبرت بزهکاران می‌نگرد. در پرتو این هدف با استفاده از ابزارهای واکنشی درصد مرعوب ساختن و عبرت‌آموزی تبهکاران است تا از روی-آوری مجدد آنان به بزهکاری پیشگیری شود. در نظام نیمه‌آزادی جنبه‌های ترهیبی و ترذیلی کیفر زندان کماکان حفظ می‌گردد و جدا از توأم بودن کیفر با رسوایی و فضاحت که به آن جنبه ترذیلی داده، شکنجه و رنج محرومیت از آزادی کامل جنبه ترهیبی آن را در مقایسه با اغلب کیفرها نمایان‌تر ساخته است و در نتیجه بازدارندگی آن نیز محقق می‌گردد. ترس از مجازات زندان در نظام نیمه‌آزادی موجب می‌گردد که بزهکاران احتمالی از اندیشه‌های شریرانه منصرف

شوند. البته از آنجا که همه بزهکاران از شخصیت واحد و ساختار روانی یکسانی برخوردار نیستند و در نتیجه به یک میزان از اجرای مجازات متأثر نمی‌شوند، لذا علمای حقوق برای اخذ بهترین نتیجه از اجرای مجازات سیاست شخصی کردن آن را پیشنهاد کرده‌اند.

۳-۱-۱-۳. اثر اصلاحی یا درمانی کیفر در نظام نیمه آزادی

اصلاح و درمان امروزه فراتر از مفهوم مضیق و موردنظر در مکتب تحقیقی است. به عبارت دیگر به تبع مردود یا محدود دانستن تأثیر علل جسمی در وقوع جرم و پذیرش علل دیگر از جمله عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره معانی گسترده‌تر و قابل قبول‌تری پیدا کرده که با واقعیات خارجی مربوط به ارتکاب جرم سنخیت بیشتری دارد. از آنجا که بعضی از مجازات‌ها مانند اعدام، رجم و مجازات‌های توان‌گیر فاقد کارکرد بازپرورانه هستند، لذا تنها مجازاتی که خصیصه تربیتی آن در ظاهر به نسبت به سایر مجازات‌ها آشکار است، کیفر حبس است. اصطلاح حبس تأدیبی در ماده ۹ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ زمانی شیوه‌ای از اجرای مجازات را تداعی می‌کرد که با سیاست یک نهاد تربیتی باید منطبق می‌بود. امروزه دیگر از اعجاز زندان‌ها سخنی نیست، بلکه تلاش بر این است که با مجازات‌های بینابین از جمله نظام نیمه‌آزادی و سازوکارهای دیگر، در حد امکان از یک سو از آثار زیان‌بار زندان کاسته شود و از سوی دیگر نسبت به حفظ ثبات خانواده و اصلاح بزهکار اقدام شود. (Leka, 2014, 87) در همین راستا، قانون‌گذار در ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی و حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر اینها را در دستور کار قرار داده است. البته اجرای این فعالیت‌ها زیر نظر مراکز نیمه‌آزادی در سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور صورت خواهد گرفت.

اساساً اقداماتی که پس از ارتکاب جرم به عنوان پیشگیری ثالث نسبت به بزهکاران اعمال می‌شوند، غالباً جنبه اخلاقی و اصلاحی دارند. مجرم از یک سو به دلیل ارتکاب خطای کیفری باید مکافات عمل خود را تحمل نموده و در عین حال متنبه شود و از سوی دیگر برای تقویت پیشگیری از ارتکاب جرم باید اجرای مجازات، به‌ویژه حبس، فرصتی جهت اصلاح و درمان و در نهایت نجات بزهکاران از دنیای بزهکاری باشد. (صلاحی، ۱۳۸۹، ۳۴) بنابراین نظام نیمه‌آزادی جلوه‌ای از اقدامات تربیتی در عرصه حقوق کیفری مدرن می‌باشد که به نوبه خود در کنار جلوه‌های دیگر مانند آزادی مشروط نقش بسزایی در اصلاح و درمان مجرمان ایفا می‌نماید.

۳-۲-۱. ارزیابی نظام نیمه‌آزادی از منظر توجیهات معاصر و فرعی کیفر

توجیهات رایج و غالباً فلسفی که در مقام توجیهات سنتی و اصلی کیفر ارائه شد، در ارائه چهره‌ای کاملاً مشروع از نظام کیفری چندان موفق نبودند و این امر موجب گردید که طرفداران لزوم کیفر به ارائه توجیهات نوین و مطلوب‌تری متوسل شوند. این توجیهات قرائت مناسب‌تری را با مذاق کیفری روز ارائه می‌دهند و در تحولات ملی و اسناد بین‌المللی در جهت رعایت حقوق

بزهکاران و بزه‌دیدگان هماهنگی بیشتری دارد. لذا ضرورت دارد که در این قسمت، کیفر نظام نیمه‌آزادی را با این توجیحات مورد ارزیابی قرار دهیم.

۳-۱-۲-۱. مشروعیت کیفر در نظام نیمه‌آزادی و اثر تقبیحی آن

مفهوم اثر تقبیحی کیفر آن است که کیفر و نظام کیفری نشان‌گر تنفر و انزجار مردم یک جامعه از برخی افعال و رفتارهاست که این امر وجود و عملکرد نظام کیفری را مشروعیت می‌بخشد. از یک طرف تقبیح کیفر و واکنش سامانه دادگری کیفری در قبال کنش جنایی باعث کاهش جرم گردیده که به تقبیح ابزاری اشتها دارد و از طرف دیگر اعمال مجازات نشانگر دید منفی و ارزشی قاطبه ملت نسبت به پدیده جنایی است که تقبیح بیانی یا تصریحی نامیده می‌شود. بر این اساس چنانچه مجازات به عنوان ابزاری برای کاهش عمل مجرمانه محسوب شود، برداشتی پیامدگرا از آن به عمل آمده است. با این توجیه که مجازات اثر آموزشی دارد اما اگر صرفاً بر جنبه الگویی یا معیار بودن مجازات تکیه شود و آن را به این دلیل موجه بشماریم که به همراه خود یک پیام اخلاقی و الگویی برای مرتکبان و دیگران ارسال می‌نماید و به همین دلیل آن عمل زشت و قابل سرزنش و مجازات است، در این صورت برداشتی غیرپیامدگرا و ضرورتاً سزاگرا از تقبیح مورد حمایت و دفاع قرار گرفته است. (صفاری، ۱۳۹۱، ۲۵۰) از این رو نظام نیمه‌آزادی به عنوان مجازات بینابین واجد هر دو خصوصیت مجازات غیرپیامدگرا و پیامدگرا است و مشروعیت این کیفر و اثر تقبیحی آن را اثبات می‌نماید. به طوری که با اعمال مجازات زندان، نشانگر تنفر و انزجار مردم جامعه از جرم خواهد بود و از طرف دیگر با توجه به اعمال برنامه‌های آموزشی و فعالیت‌های حرفه‌ای و حرفه‌آموزی و مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه‌دیده مؤثر است، مؤید پیامدگرا بودن این کیفر می‌باشد.

۳-۱-۲-۲. سلب صلاحیت مجرم و بازگشت سعادت‌مندانه از گذر توسل به نظام

نیمه‌آزادی

برخی ارتکاب جرم را به منزله عاملی برای از دست دادن سرایت مرتکب به عنوان یک عضو کامل جامعه و مجازات را فرآیندی جهت بازگرداندن این صلاحیت از دست‌رفته مرتکب تعبیر می‌کنند. به عبارت دیگر نقض‌کنندگان قانون با ارتکاب جرم خود را خارج از جامعه و یا در مقابل آن قرار می‌دهند، اما جریان محاکمه و مجازات با هدف بازگرداندن آن‌ها به جامعه صورت می‌گیرد. سلب صلاحیت از مرتکب چیزی شبیه به اثر تقبیح است که بدون مرحله دوم آن یعنی بازگرداندن صلاحیت نمی‌تواند وجود نظام کیفری را به طور کلی توجیه نماید. خود تقبیح در این مورد قاصر است، اما بازگرداندن صلاحیت می‌تواند عامل موجه مثبتی برای نظام کیفری باشد تا با پیگیری آن از طریق اعمال اقدامات لازم مثل اصلاح مرتکب یا ترمیم خسارت بزه‌دیده و نه

ضرورتاً فقط کیفر، مرتکب را در جامعه بازپذیر می‌نماید. به شرط اینکه مرحله اول یعنی سلب صلاحیت آن چنان عمیق و قوی نباشد که مرحله دوم را منتفی کند یا تحت‌الشعاع خود قرار دهد و با برچسب‌زنی به مجرم به جای اعاده وی به اجتماع، زمینه تکرار جرم را فراهم نماید. (Gordon Scott, 2008, 113)

۳-۱-۲-۳. عدالت ترمیمی و شرمساری بازپذیرانه در آیین نظام نیمه‌آزادی

اگرچه عدالت ترمیمی به عنوان یک راهبرد کیفری مستقل در دهه‌های پایانی قرن بیستم تفکر و اندیشه‌های جزایی را مغروق خود نموده است، اما مشترکاتی با نظریه شرمساری بازپذیرانه^۱ ارائه شده از سوی جان بریث‌ویت دارد، لذا در این مقال توأمان مطمح نظر قرار خواهد گرفت. نظریه شرمساری بازپذیرانه مبنی بر این است که پاسخ‌های اجتماعی در برابر جرم در صورتی موفق خواهد بود که علاوه بر شرمسار کردن مرتکب بتواند وی را کاملاً به جامعه برگرداند. برخلاف شرمساری غیرسامان‌ده و بدنام‌کننده که انگ و داغ‌نگش باعث فرار فرد از جامعه یا عدم پذیرش وی در آن می‌گردد، شرمساری مورد نظر در این تفکر از طریق تدابیری مثل راضی کردن مرتکب به عذرخواهی از بزه‌دیده، ترمیم خسارت قربانیان، انجام خدمات عام‌المنفعه و امثال اینها موجب بازپذیری فرد در جامعه می‌شود. (Mihburn, 2014, 11)

از لحاظ فکری این نظریه مبتنی بر این است که به جای کیفر مرتکب، بازسازی و جبران خسارت را هدف اقدامات و تدابیر اتخاذی علیه جرم قرار دهیم تا از عوارض منفی کیفر بالابخسار زندان احتراز نموده و خسارات وارد بر اجتماع و بزه‌دیدگان تا اندازه زیادی جبران گردد و همزمان مجرم نیز از جامعه طرد نشود و به عنصری عنود و ناسازگار مبدل نگردد. (ولد و همکاران، ۱۳۹۲، ۴۱۲-۴۱۰) این رویکرد همان چیزی است که تصمیم‌گیران سیاست جنایی بدان توجه داشته و در ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی به عنوان رهیافتی نوین، ترمیم خسارت بزه‌دیدگان را در دستور کار خود قرار داده‌اند. بدین طریق زمینه بازپذیری مجرم در این فرآیند فراهم خواهد شد. البته بدیهی است که عدالت ترمیمی را فی‌نفسه نمی‌توان به عنوان جایگزین مجازات مطرح کرد، اما می‌توان از سازوکارهای آن در اجرای تدابیر جایگزین مجازات بهره گرفت.

۳-۲. ارزیابی نظام نیمه‌آزادی از منظر توجیحات خاص کیفر

مطالبی که در این قسمت مطرح می‌گردد زیربنای اصلی یا مبانی توجیحات خاص برای مشروعیت بخشیدن واقعی به عمل کیفررسانی، یعنی تعیین و اعمال کیفر خاص است. همین مبانی منجر به طرح اندیشه‌هایی چون صورت‌سازی نظام کیفری چه در قالب معتدل و چه در

1. Reintegrative shaming

قالبی رادیکال (فروپاشی زندان) (Sim, 2009, 140-142) و به دنبال آن‌ها طرح جایگزین - های حبس، مجازات‌های بینابین و ... شده است. این در حالی است که عده‌ای همچنان نسبت به جایگزین‌های حبس انتقاداتی را مطرح می‌کنند. (Ben-Moshe, 2014, 259-260)

۱-۲-۳. پذیرش اجتماعی کیفر در نظام نیمه‌آزادی

مراد از پذیرش اجتماعی کیفر احتساب دید کلی ایجاد شده در جامعه نسبت به کیفر خاص یا نظام کیفری به طور کلی است. لذا توجه به افکار عمومی در قضاوت نسبت به خوب یا بد بودن یک نظام یا یک کیفر خاص ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. همان‌طوری که در نظر مردم ممکن است افعال یا تروک مجرمانه‌ای مانند صید و شکار نامشروع جلوه نکند، از طرفی هم ممکن است کیفر یا عقوبت اعمال مجرمانه مورد پذیرش عموم قرار نگیرد. به عنوان مثال امروزه نمی‌توان از مجازات‌هایی مانند داغ کردن پیشانی و شانه مرتکب یا گرداندن او در شهر به منظور ایداء و توهین توسط مردم استفاده نمود. لذا توجه به افکار عمومی در قضاوت نسبت به خوب یا بد بودن یک نظام یا کیفر خاص ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. نظام نیمه‌آزادی در عین حال آثار مخرب و زیان‌بار زندان را در حد وسیعی تعدیل و تلطیف می‌نماید و با ارائه برنامه‌های اصلاحی و آموزشی و حرفه‌ای، زمینه اصلاح و بازگشت مجرم به اجتماع را تسهیل می‌نماید.

۲-۲-۳. تناسب کیفر در نظام نیمه‌آزادی با جرم و مجرم

این اصل هم نه تنها بایستی به هنگام قانون‌نویسی مطمح نظر قرار گیرد، بلکه باید در زمان تعیین و تخصیص کیفر برای جرمی خاص و مرتکبی معین مورد توجه قرار گیرد، زیرا کیفر بایستی نشانگر میزان زشتی و خطر جرم ارتكابی باشد و عدم التفات به این مهم موجب افراط و تفریط در مجازات می‌گردد. در قوانین کشورهای مختلف به این امر توجه شده است. نمونه‌ای از درجه‌بندی‌ها در حقوق تطبیقی که به درجه‌بندی مرکب نزدیک است «مدل‌های راهنمای مجازات»^۱ در ایالات متحده آمریکا است. در این کشور، دادگاه‌ها جهت رعایت صدور حکم یکسان برای افراد و نهادها در مرحله صدور حکم الزاماً باید مقررات متحدالشکلی را در مورد جنایات و جنحه‌های مهم رعایت نمایند. این الزام که در حقیقت به نوعی به مقررات شکلی مربوط می‌شود، ابتدا در چند حالت اجرا شده بود. در سال ۱۹۸۴ جهت جلوگیری از تشتت آرا و تعارض احکام در موارد مشابه، مقررات مذکور توسط «کمیسیون تعیین مجازات ایالات متحده»^۲ مورد اصلاح قرار گرفت.^۳ هدف اصلی این رهنمودها کاهش نابرابری و تبعیض در صدور حکم بود که تحقیقات

1. Guideline models of Commission
2. United States Sentencing Commission
3. "Introduction to the Sentencing Reform Act", U.S. Sentencing Commission.

انجام شده شیوع آن را نشان داده بود.

قانون گذار ایران معمولاً با تعیین حداقل و حداکثر یک مجازات، تطبیق درجات مختلف هر جرم با کیفر متناسب آن را بر عهده قاضی تعیین کننده مجازات نهاده است و قاضی بر اساس نظام تدرج مجازات‌ها و ابزارهای قضایی، سیاست شخصی کردن مجازات‌ها را اعمال می‌کند. یکی از دلایل احتراز از حبس‌های طولانی مدت علاوه بر معایب روان‌شناختی و جرم‌شناختی، به چالش افتادن این اصل متقن و اولی است. لذا قانون‌گذار در پرتو داده‌های حقوق کیفری و رهیافت‌های جرم‌شناختی و کیفرشناختی به این مهم توجه نموده و در مواد ۵۶ و ۵۷ قانون مجازات اسلامی اعمال مجازات نیمه‌آزادی را صرفاً در حبس‌های تعزیری درجه پنج تا هفت پذیرفته و دادگاه را مستغنی از اعمال این کیفر در سایر جرایم دانسته است. قاضی کیفری نیز با استمداد از شرایط و قیود قانونی، با رضایت مرتکب در فرآیند توافقی شدن و معامله اتهام، مجازات متناسب با شخصیت مرتکب را مورد حکم قرار خواهد داد.

۳-۲-۳. قابل اجرا بودن کیفر در نظام نیمه‌آزادی

یکی از عوامل موجهه برای داشتن نظام کیفری و مجازات کردن افراد، تصور آثار ارعابی و بازدارندگی کیفر است. چنین اثری فقط در زمانی به منصفه ظهور و بروز می‌رسد که کیفر تعیین شده در مورد مرتکب حتماً اجرا و اعمال گردد، زیرا قابل اجرا نبودن کیفر می‌تواند در طول زمان باعث زوال آثار مذکور و در نتیجه زوال مشروعیت آن و حتی نظام کیفری گردد؛ مانند جزای نقدی که در صورت عدم ملائمت محکوم‌علیه طبق ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی منجر به بازداشت خواهد شد. بدین توضیح، آثار مخرب زندان و تزییقات مالی و عاطفی و انقطاع شغلی محکوم‌علیه و هزینه‌های مادی و انسانی را بر مجرم و دولت خواهد گذاشت. (Bruinsma, 2014, 467) کیفر نیمه‌آزادی به عنوان مجازات بینابین، ایرادات مذکور را در حد وسیعی مرتفع می‌نماید. به‌ویژه آن که تعهد محکوم‌علیه به فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مساعدت در تداوم زندگی خانوادگی و درمان اعتیاد یا بیماری در این راستا قانون توجه قانون‌گذار قرار گرفته است.

۳-۲-۴. مفید بودن کیفری نظام نیمه‌آزادی و کارایی آن

فایده داشتن کیفر به معنی پدید آوردن آثار و نتایج مثبت برای مرتکب، جامعه و تنبیه مرتکب بدون تولید عوارض منفی و جانبی زیاد برای فرد و جامعه نظیر از هم‌پاشیدگی خانوادگی و بیکاری فرد و لکه‌دار شدن حیثیت خانواده وی در نتیجه اعمال مجازات است. مراد از کارایی کیفر نیز این است که کیفر به اهداف تعیین شده برای آن، مانند جلوگیری از ارتکاب جرم و کاهش و تقلیل جرایم و بازدارندگی مرتکب و دیگران از تکرار جرم، برسد. (صفاری، ۱۳۹۱، ۲۶۵) مشاهیر حقوق کیفری و صاحب‌نظران در این عرصه معتقدند که اعمال کیفر صرفاً خصوصاً در

شکل‌های سنتی آن نظیر زندان، اعدام، شلاق و جزای نقدی نه تنها مانع از تکرار جرم در آینده نمی‌شود بلکه پیامدهای سوء و ناگواری را در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی انسانی و حتی سیاسی به دنبال دارد.

در دهه‌های اخیر جهت‌گیری نظام کیفری به مدل سزادهی و کیفرهای استحقاقی به عنوان یک دیدگاه غیرپیامدگرا و بی‌توجه به نتایج مثبت از قبیل کاهش جرم و جلوگیری از تکرار جرم مطرح شده است. کیفرهای استحقاقی صرفاً برای مجرمان خطرناک و جرایم خشن به کار گرفته شده است و در مورد مرتکبان جرایم سبک از مجازات‌های جایگزین و بینابین استفاده می‌شود. از این رو نظام نیمه‌آزادی در جرایم درجه پنج تا هفت از نتایج این جهت‌گیری می‌باشد و گذشت شاکی و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی حرفه‌ای و حرفه آموزشی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی و درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت وارده بر بزه‌دیده مطرح شده است، به روشنی به مفید بودن کیفر و کارکردهای آن اشاره دارد.

۳-۲-۵. هزینه‌های انسانی و مادی کیفر در نظام نیمه‌آزادی

امروزه اصل میانه‌روی یا امساک در کیفر حکایت از استفاده از کیفر به عنوان آخرین راه-حل دارد. به عبارت دیگر در اعمال ضمانت اجرا می‌بایست راه‌حل‌های غیر کیفری را تا حد امکان جایگزین راه‌حل‌های کیفری یا ضمانت اجراهای با صیغه کیفری نمود. (غلامی، ۱۳۹۳، ۱۸)

امروزه دست‌اندرکاران عدالت کیفری اعمال مجازات‌هایی مانند زندان را صرفاً در خصوص مجرمان خطرناک و در جرایم خشن به کار می‌گیرند و اعمال مجازات‌های جایگزین و بینابین و اجتماعی را در خصوص جرایم سبک و مجرمان غیرخطرناک مطرح نموده‌اند. از جمله اینها کیفر نیمه‌آزادی است که در خصوص مجرمانی که به جرائم درجه پنج تا هفت محکوم شده‌اند، اعمال می‌شود.

۴. محاسن و چالش‌های فراروی نظام نیمه‌آزادی در بستر عدالت کیفری ایران

از آنجا که نظام نیمه‌آزادی در جهت کوچک‌سازی قلمرو عدالت کیفری با رویکرد پس‌روی کیفری از رهگذر سازوکار توافقی شدن آیین دادرسی کیفری و معامله اتهام یا چانه‌زنی قضایی ایجاد گردیده‌است، بخشی از دلایل روی‌آوری به داد و ستد اتهام را می‌توان از محاسن این نظام برشمرد. اول آنکه هویت بخشی به بزهکاران در بستر عدالت کیفری افقی و شهروندمدار موجبات تحقق اهداف کیفر را فراهم می‌نماید. دوم آنکه در پرتو این تأسیس نوپدید، پاسخ‌های عدالت کیفری با وضعیت بزهکاران متناسب می‌گردد و بدین‌سان تصمیم‌گیران سیاست‌جنایی با ایجاد تحول در ماهیت و رسالت فرآیند کیفری و نظام ضمانت اجراها درصدد تقویت کارکرد اصلاحی-درمانی کیفر و پیشگیری از برچسب‌زنی برمی‌آیند. (بولک، ۱۳۸۵، ۳۳) تشکیل پرونده شخصیت

در فرآیند کیفری، پذیرش اصل شخصی کردن پاسخ‌ها و تغییر کارکرد کیفر زندان از جمله سازوکارهایی هستند که برای بالینی کردن ماهیت نظام عدالت کیفری مورد توجه قرار می‌گیرد. سوم آنکه ترمیم خسارات بزه‌دیده و قربانیان جرم که از نقش آفرینان اصلی دعوی کیفری هستند، در این نظام مورد توجه تهیه‌کنندگان قانون قرار گرفته و به نظام عدالت کیفری کارکردی بزه-دیدمدار نیز بخشیده است. علاوه بر اینها سرعت‌بخشی به رسیدگی‌های کیفری، کاهش میزان استفاده از ضمانت اجراهای کیفری با توسل به سازوکارهایی چون کیفرزدایی، افزایش دقت در رسیدگی‌های کیفری و کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری را می‌توان از محاسن توسل به نظام نیمه‌آزادی برشمرد.

۴-۲. چالش‌های فراروی نظام نیمه‌آزادی در بستر عدالت کیفری ایران

عدالت کیفری، قهرآمیزترین شاخه حقوقی است که از ارزش‌های جوامع بشری حمایت می‌کند. این شاخه برای حمایت از این ارزش‌ها از سازوکارهای متعدد قهرآمیز در مرحله‌های مختلف فرآیند کیفری، بهره می‌گیرد. سیاست‌گذاران جنایی به این جهت که حمایت از ارزش‌ها به بستری برای تهدید بیش از اندازه حقوق و آزادی شهروندان تبدیل نشود، الزاماتی را پیش‌بینی کرده‌اند تا از این رهگذر چارچوب مداخله‌های کیفری به منظور حراست از ارزش‌های بنیادین جوامع بشری به دقت تبیین گردد. با وجود این، گزینش و اجرای راهبرد مذکور تردیدهایی نسبت به شماری از اصول فراگیر عدالت کیفری مانند اصل برابری شهروندان (به دلیل اینکه توسل به این نظام برای مقام قضایی اختیاری است) ایجاد می‌نماید. صرف‌نظر از ایجاد تبعیض در میان شهروندان، سلیقه‌ای شدن عدالت کیفری که عطف به نظریه توافقی شدن ایجاد می‌گردد، مانع شکل‌گیری سیاست قضایی منسجم و یکسان در نظام عدالت کیفری خواهد شد. این سرگردانی در پرتو به راهبرد مذکور به شکل‌های مختلف متبلور شده که بارزترین آن‌ها صدور آرای متهاافت است. مخدوش شدن اقتدار نظام عدالت کیفری که به دنبال توافقی شدن ایجاد می‌گردد، موجب می‌شود تا هیبت نظام عدالت کیفری شکسته شود و جنبه ارعاب‌انگیزی آن مخدوش گردد. در نهایت ممکن است بستری برای سوءاستفاده دست‌اندرکاران عدالت کیفری فراهم گردد. (نیازپور،

۱۳۹۰، ۹۲-۸۲)

نتیجه‌گیری

افزایش بزهکاری و عدم کارایی بسیاری از کیفرهای سنتی، سیاست‌گذاران جنایی را بر آن داشت تا در شیوه‌های پاسخ‌دهی به رفتار مجرمانه تغییراتی را پدید آورند. از جمله آن‌ها مجازات‌های بینابین است که به دنبال جنبش الغای کیفر حبس و به عنوان یکی از شیوه‌های کاهنده کیفر ایجاد گردید. در این راستا برای پاسخ‌دهی به شماری از گونه‌های بزهکاری و برخی از بزهکاران، وفق اصل حداقلی کیفر می‌توان از روش‌های جدیدی حتی با صیغه غیرقهرآمیز بهره جست. نظام نیمه‌آزادی، کاربست مجازات‌های بینابینی است برای پاسخ‌دهی به محکومان مجازات‌های سالب آزادی، که ثمره آن، حبس‌زدایی و کاهش جمعیت کیفری می‌باشد. از سوی دیگر، این نظام برای پاسداری از محکومان، با رعایت موازین حقوق بنیادین آن‌ها در پرتو عدالت کیفری کرامت‌مدار، بازگشت سعادت‌مندان به جامعه، کاهش آثار برجسب‌زنی و هزینه‌ها را در پی داشته است.

در ساحت سیاست جنایی ایران، این راهکار در ادوار مختلف قانون‌گذاری برای پاسخ‌های سالب آزادی شناسایی شده است. پیش از انقلاب، وفق ماده ۵۱ آیین‌نامه زندان‌ها و مؤسسات صنعتی و کشاورزی وابسته به زندان‌ها مصوب ۱۳۵۴، شیوه نیمه‌آزادی در ایران نمود پیدا کرد. پس از انقلاب در سال ۱۳۸۴ (آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰) این نظام به منصفه بروز رسید، لیکن، عنوان آن به «مراکز حرفه-آموزی و اشتغال» دگرگون شد. تدوین‌کنندگان قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز در ماده ۵۶ به نظام نیمه‌آزادی اعتبار قانونی بخشیدند.

نظام نیمه‌آزادی مستلزم تدوین سیاست (یا قانون) جامعی است که در آن، نهادهای متولی، شرایط کنش‌گران اصلاح بزهکار از قبیل مددکاران اجتماعی، مدت بهره‌مندی از این نظام بر حسب نوع جرم ارتكابی، مجازات و نیز شخصیت بزهکار به طور دقیق تبیین شود. در همین راستا ماده ۶۳ قانون پیش‌گفته مقرر داشت که آیین‌نامه اجرایی مواد مربوط به نظام نیمه‌آزادی بایستی ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون، تهیه و تصویب شود. در حالی که پس از گذشت قریب به سه سال از تصویب قانون، این آیین‌نامه هنوز تصویب نشده است. افزون بر این، کنش‌گران عدالت کیفری باید با قاطعیت تفهیم شوند که استفاده از این نظام به معنای نادیده گرفتن کیفرهای سنتی نمی‌باشد، بلکه به این معنا است که جامعه آن به آن حد از عقلانیت، انصاف و عدالت رسیده که در برخورد با مرتکب، انسانیت وی را فراموش نکند. بدینسان، تمسک به این نظام، امتیازی جهت اصلاح عادلانه بدهکار می‌باشد. لذا جهت اجرای هرچه بهتر قانون پیشنهادهای زیر قابل طرح است:

- اولویت بخشی به رفاه و اتخاذ رویکرد حمایتی نسبت به محکومان. حمایت از محکومان

و رفاه آنان باید در تمامی برخوردهای قضایی و غیرقضایی در مرحله پساکیفری از اولویت برخوردار باشد. این موضوع بایستی در تصمیمات مأخوذه توسط نهادهای غیرقضایی و اجرای تدابیر لحاظ شود.

- تخصص گرایی. یکی دیگر از ملزوماتی که در رویکرد نظام نیمه آزادی حائز اهمیت می باشد، استفاده از مددکار اجتماعی (مطابق ماده ۴۸۷ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مددکاران اجتماعی از بین فارغ التحصیلان رشته های مددکاری اجتماعی، علوم تربیتی، روان شناسی، جامعه شناسی، جرم شناسی و حقوق استخدام می شوند) و میانجی گر متخصص و بامسئولیت می باشد. وانگهی عدم رعایت تخصص گرایی می تواند هم منافع محکومان و هم بزه دیده احتمالی جرم را به خطر بیندازد.

- فرهنگ سازی و جلب مشارکت مردمی. فرهنگ سازی برای استقبال افکار عمومی در زمره مهم ترین ضرورت های اجرایی نظام نیمه آزادی می باشد، زیرا از یک سو موجب جلب مشارکت مردمی و تخصصی اقشار مختلف مردم می شود و از سوی دیگر زمینه را برای روی گردانی از خشونت و استقبال بزه دیده از راهکارهای عدالت ترمیمی فراهم می سازد.

- پیش بینی ضمانت اجرای نظام نیمه آزادی. نظام نیمه آزادی در سیاست تقنینی ایران در مرحله پساکیفری پیش بینی شده است، لذا مستلزم بسترهای اجتماعی از قبیل فعالیت شغلی و مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی است که از شرایط پیش بینی شده در ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی می باشد، سیاست تقنینی ایران در صورت عدم اجرای شرایط ماده مارالذکر، هیچ گونه ضمانت اجرایی لحاظ نکرده است لذا می بایست ضمانت اجرایی عدول از دستورات در آیین نامه مشخص شود. (در این خصوص، ضمانت اجرای ماده ۵۷ آیین نامه زندان ها و مؤسسات صنعتی و کشاورزی وابسته به زندان ها، مصوب ۱۳۵۴، قابل توجه است).

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- آشوری، محمد، ۱۳۸۲، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، انتشارات گرایش.
- ۲- آنسل، مارک، ۱۳۹۱، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، انتشارات گنج دانش.
- ۳- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۳، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، چاپ سی و سوم، انتشارات میزان.
- ۴- بولک، برنار، ۱۳۸۵، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ پنجم، انتشارات مجد.
- ۵- پرادل، ژان، ۱۳۹۲، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ هفتم، انتشارات سمت.
- ۶- دانش، تاج زمان، ۱۳۶۶، «طرز اجرای مجازات حبس و اقدامات تأمینی و تربیتی سالب آزادی در سوئد و ایتالیا»، مجله حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۳.
- ۷- رهامی، محسن، ۱۳۸۹، «عرفی شدن مجازات‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران»، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، چاپ سوم، انتشارات سمت.
- ۸- زراعت، عباس، ۱۳۸۴، حقوق جزای عمومی تطبیقی، انتشارات فکرسازان.
- ۹- زراعت، عباس، ۱۳۹۲، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی، چاپ اول، انتشارات ققنوس.
- ۱۰- شمس ناتری، محمد ابراهیم؛ زارع، ابراهیم؛ کلانتری، حمیدرضا، و زینب ریاضت، ۱۳۹۲، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، جلد اول، انتشارات میزان.
- ۱۱- صفاری، علی، ۱۳۹۱، مقالاتی در جرم‌شناسی و کیفرشناسی، انتشارات جنگل.
- ۱۲- صفاری، علی، ۱۳۸۷، کیفرشناسی، چاپ سوم، انتشارات جنگل.
- ۱۳- صلاحی، جاوید، ۱۳۸۹، کیفرشناسی، چاپ دوم، انتشارات میزان.
- ۱۴- غلامی، حسین، ۱۳۹۰، بررسی حقوق - جرم‌شناختی تکرار جرم، چاپ سوم، انتشارات میزان.
- ۱۵- غلامی، حسین، ۱۳۸۹، «عدالت ترمیمی»، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، چاپ سوم، انتشارات سمت.
- ۱۶- غلامی، حسین؛ و همکاران، ۱۳۹۳، اصل حداقل بودن حقوق جزا، انتشارات میزان.
- ۱۷- کلارکسون، کریستوفر، ۱۳۹۱، حقوق جزای اختصاصی انگلستان و نقش حقوق جزا در جامعه، ترجمه حسین میرمحمدصادقی، انتشارات جنگل.

۱۸- گسن، ریموند، ۱۳۶۵، «گرایش‌های نو در جرم‌شناسی انگلیس و آمریکای شمالی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲.

۱۹- گودرزی، محمدرضا؛ لیلا، مقصدادی، ۱۳۸۴، کیفرشناسی نوین یا کیفر های اجتماعی، انتشارات مجد.

۲۰- گودرزی، محمدرضا، ۱۳۸۳، «نارسائی‌های زندان» الهیات و حقوق، شماره ۹ و ۱۰.

۲۱- محمدی، داود، ۱۳۸۴، مجازات‌های جایگزین: نقدی بر کیفر زندان، چالش‌ها و راهکارها، انتشارات عود.

۲۲- نیازپور، امیرحسن، ۱۳۹۰، توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، انتشارات میزان.

۲۳- ولد، جورج؛ برنارد، توماس؛ و جفری اسنیپس، ۱۳۹۲، جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، ویراست ششم، انتشارات دادگستر.

۲۴- یزدیان جعفری، جعفر، ۱۳۹۱، چرایی و چگونگی مجازات، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

منابع انگلیسی

25- Bachtold, Andrea, 1976, "Semi-Liberty and Smei-Detention in the Correctional System in Swiss Law", *Revue Internationale De Criminologie et De Police Technique* 29, no. 1, pp.31-43

26- Bruinsma, Gerben, and David Weisburd (eds), 2014, *Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice*, New York, Springer, p.467

27- Ben-Moshe, Liat; and Allison Carey (eds), 2014, *Disability Incarcerated: Imprisonment and Disability in the United States and Canada*, New York, Palgrave Macmilan, pp. 259-260

28- Caputo, Gail, 2004, *Intermediate Sanctions in Corrections, Texas*, University of North Texas Press, pp. 169-184.

29- Council of Europe, and Committee of Ministers, 2000, *Prison Overcrowding and Prison Population Inflation: Recommendation No. R (99)22*, Adopted By the Committee of Ministers of the Council of Europe on 30 September 1999 and Report, Strasborg, Council of Europe Pub, p.58.

30- Gordon Scott, David, 2008, *Penology*, SAGE Course Companions, Los Angeles, p. 113.

31- Leka, Adrian, 2014, "Alternative Measures of Punishment and the Role of the Probation Service, for Their Right Implementation",

- European Journal of Social Law, no. 2, p. 87.
- 32- Mihburn, Philip, and Ludovic Jamet, 2014, "Prevention de la recidive: les services de probation et d'insertion francais dans la tourmente", Champ Penal/Penal field, vol. 11.
- 33- Sevdiren, Ozgur, 2011, Alternatives to Imprisonment in England and Wales, Germany and Turkey, New York, Springer, p.116.
- 34- Sim, Joe, 2009, Punishment and Prisons: Power and the Carceral State, California, Thousand Oaks, pp.140-142
- 35- Stefanovska, Vesna, 2015, "Some Restorative Justice Benefits to Offenders and Victims of "Balkan Social Science Review, no. 4, p. 8.